

The Concept of "Satan's Astray" in the Semantic System of the Holy Qur'an with an Emphasis on Coexistence and Substitution Relationships: A Constructivist Semantics Approach

Fathiyeh Fattahizadeh 

Professor, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Fatemeh Abadi *

Assistant Professor, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Accepted: 20/04/2025

Extended Abstract

1. Introduction

The semantic field of "guidance-misguidance" is one of the important semantic fields in the semantic system of the Qur'an, and Satan is one of the key concepts in this semantic field. The present study tries to provide a comprehensive explanation of the concept of "satan's astray" by using the method of constructionist semantics, based on linguistic context, based on coexistence and substitution relations. The analysis of 30 verses in which this concept is used showed that the semantic field of "Muzell" includes concepts such as "Pharaoh", "Samaritan", a group of "people of the book" and "criminals" centered on Satan. Considering the coexistence of satan's astray and "Sabil" with the highest frequency of repetition, it is clear that this concept is related to the path and means deviating from an easy and natural path with a spiritual destination and towards the truth. The concept of "Sadd" is a substitute for "Ezlal of Satans" in the Qur'an, with the difference that, unlike "Sadd", there is no element of creating obstacles in the errors of

Received: 30/11/2023

ISSN: 2228-6616

eISSN: 2476-6070

* Corresponding Author: f.abadi@alzahra.ac.ir

How to Cite: Fattahizadeh, F., Abadi, F. (2025). The Concept of "Satan's Astray" in the Semantic System of the Holy Qur'an with an Emphasis on Coexistence and Substitution Relationships: A Constructivist Semantics Approach, *Journal of Seraje Monir*, 16(50), 231-262. DOI: 10.22054/ajsm.2025.76998.1986

the component, and "Sadd" has never been attributed to God; Therefore, the concept of "Ezla" is more general. The semantic field of "satan's astray" includes concepts such as adornment, promise, reprimand, invitation, temptation, and order, which are sub-words to the concept of "Ezla of Satans", and in other words, it is a type of it.

2. Research Question

- What is the position of devils in the "guidance-misguidance" system in the Holy Qur'an?
- What are the substitution concepts of "misleading the devils"?
- What is the semantic domain of the concept of the devils' misguidance?

3. Literature Review

Since Satan and misguidance are regarded as key concepts within the semantic system of the Qur'ān, numerous studies have explored these ideas using interpretive, theological, lexical, and comparative approaches with other religions. In addition, in recent years, this concept has been investigated in various studies using the cognitive semantics method. However, the present study is innovative in terms of analyzing the concept of misguidance in cases where the agent is Satan, with the aim of examining the different dimensions of this concept in the Holy Quran, extracting its substitute concepts in the semantic system of the Quran, and achieving the semantic domain of the concept of misguidance of demons with a structural semantics approach.

4. Methodology

The method of the present research in data analysis is the use of structural semantics. With this aim, a corpus of verses from the Quran, including 30 verses in which the agent of Satan's misguidance is extracted, was examined and analyzed. Semantics is the study of meaning and studies linguistic phenomena within the framework of a system without any type of presuppositions. Semantic theories consider text or speech as a meaningful set that can be understood or studied. This research has chosen the structural approach based on linguistic context among the various methods of semantics.

5. Conclusion

The semantic domain of the concept of "misleading" in the Holy Quran, in addition to Satan, includes Pharaoh, Samaritans, chiefs and elders, criminals, etc., which in the Quranic interpretation can be referred to as the soldiers of Satan. In the paradigmatic axis, the concept of "sabil" has the highest frequency of association with the misguidance of devils. Since "sabil" is a natural and easy path and, in most cases, of use in the Quran, a spiritual path towards the destination of truth, it is clear that misguidance is a concept related to the path, and misguidance is to take one away and deviate from a specific, easy path towards the destination of truth. An examination of other cognates of "sabil" shows that the concept of "sadd" meaning to deviate from the path and create an obstacle in the path of movement, has replaced "misleading the devils" in the semantic system of the Quran. The semantic domain of the concept of "misleading the devils" is obtained by examining other actions of the devils. In addition to the concept of "sadd", this domain includes the concepts of promising, ordering evil, tempting, associating partners with God, causing discord between people, causing slippage, frightening, beautifying ugliness, etc. An examination of the concepts in the semantic domain of "misleading the devils" to explain the differences in the semantic components of these concepts with the central concept shows that this concept is more general than "sadd"; because the concept of "sadd" is a deviation that is created by creating an obstacle in the path, but the semantic component of creating an obstacle does not exist in misguidance. In addition, unlike the concept of "misguidance", the concept of "obstacle" is not attributed to God and is only a substitute for this concept in the domain of "misguiding the devils".

Keywords: Qur'an, constructivist semantics, satan's astray, concept of Path, Sabil, Sadd

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی: رویکرد معناشناسی ساختگرا

فتحیه فتاحی زاده  استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

فاطمه آبادی  * استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده

حوزه معنایی «هدایت-اضلال» از حوزه‌های معنایی مهم در نظام معنایی قرآن و شیطان از مفاهیم کلیدی در این حوزه معنایی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش معناشناسی ساختگرا، مبتنی بر بافت زبانی، بر مبنای روابط هم‌نشینی و جانشینی، تبیینی جامع از مفهوم «اضلال شیاطین» ارائه دهد. بررسی ۳۰ آیه که در آن این مفهوم به کار رفته است، نشان داد که حوزه معنایی «مُضِلّ» شامل مفاهیمی همچون فرعون، سامری، گروهی از اهل کتاب و مجرمان با مرکزیت شیطان است. با توجه به هم‌نشینی اضلال شیاطین و «سبیل» با بالاترین بسامد تکرار مشخص می‌شود که این مفهوم وابسته به راه و به معنای منحرف کردن از مسیری آسان و طبیعی با مقصد معنوی و به سوی حق می‌باشد. مفهوم «صد» جانشین «اضلال شیاطین» در قرآن است با این تفاوت که برخلاف «صد» در اضلال مؤلفه ایجاد مانع وجود ندارد و «صد» هرگز به خدا اسناد داده نشده است؛ از این رو مفهوم اضلال نسبت صد عمومیت بیشتری دارد. حوزه معنایی اضلال شیاطین شامل مفاهیمی همچون تزئین، وعده، تنمیه، نزع، ازلال، دعوت، وسوسه و امر می‌باشد که نسبت به مفهوم اضلال شیاطین، واژگانی زیرشمول و به عبارت دیگر نوعی از آن به شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، معناشناسی ساختگرا، اضلال شیاطین، سبیل، صد.

۱. مقدمه

هدف انسان موحد لقاءالله است (جوادی آملی، جامعه در قرآن، ۸۷) و حرکت انسان در مسیر صراط مستقیم الهی از فطرت آغاز می‌شود و به لقاء خداوند می‌انجامد. شیطان در این میان نقشی اضلالی دارد. او به عزت خداوند سوگند خورده است که همه انسان‌ها را گمراه کند (ص: ۸۲-۸۳) و می‌کوشد از نظر علمی و عملی انسان را منحرف سازد؛ به گونه‌ای که راه مستقیم را نشناسد یا راه شناخته شده را نپیماید (جوادی آملی، هدایت در قرآن، ۳۷۸). قرآن کریم در بخش مهمی از آیات، به تبیین نظام «هدایت-اضلال» پرداخته است. شناخت راه-های مقابله با شیاطین مستلزم درک صحیح مفهوم اضلال در ارتباط با شیاطین، ابعاد آن و ابزارهایی که در این راه توسط شیاطین مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌باشد.

پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش نوین معناشناسی با رویکرد ساختگرا به این مهم دست یابد. معناشناسی دانش مطالعه‌ی معناست و به مطالعه‌ی پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر نوع پیش‌انگاری می‌پردازد. نظریه‌های معناشناسی متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌دانند که می‌توان به درک یا مطالعه‌ی آن پرداخت. مطالعه‌ی علمی بر روی کلمات کلیدی زبان، ساخت و ماهیت جهان‌بینی یک ملت در دوره‌ی خاصی از تاریخ را روشن می‌کند (ایزوتسو، ۴؛ پالمر، ۱۳؛ صفوی، در آمدی بر معناشناسی، ۲۷؛ شعیری، ۶).

معناشناسی در روند شکل‌گیری خود، مکاتب و روش‌هایی پیدا کرده است که هر کدام با ابزاری خاص و از زاویه‌ای به کاوش معنا می‌پردازند و هریک تا لایه‌ای از سطوح مختلف معنا پیش می‌روند (مطیع، ۷۹). این پژوهش از میان روش‌های گوناگون معناشناسی، روش ساختگرایی مبتنی بر بافت زبانی را برگزیده است.

این پژوهش قصد دارد با بهره‌گیری از روش‌های مذکور مفهوم «اضلال شیاطین» را تبیین کند و با پی‌بردن به لایه‌های مختلف معنایی آن، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

-شیاطین در نظام «هدایت-اضلال» چه جایگاهی دارند؟

-چه مفاهیمی جانشین مفهوم «اضلال شیاطین» در قرآن کریم شده‌اند؟

- حوزه معنایی مفهوم اضلال شیاطین چگونه قابل ترسیم است؟

۲. پیشینه پژوهش

از آنجاکه مفاهیم شیطان و اضلال از مفاهیم کلیدی در نظام معنایی قرآن کریم به شمار می‌رود، پژوهش‌های گوناگونی با رویکردهای تفسیری، کلامی، لغوی، تطبیقی با سایر ادیان و ... پیرامون آن شکل گرفته است؛ برای نمونه مهری و همکاران (۱۳۸۷) با رویکردی روایی و تفسیری ماهیت و عملکرد شیطان را بررسی کرده‌اند، خدردی و همکاران (۱۳۸۸) با رویکردی تفسیری و کلامی جایگاه شیطان در نظام خلقت و عملکرد وی در گمراهی انسان را مطالعه کرده‌اند، باغبانیان و همکاران (۱۳۸۹)، پورهادی و همکاران (۱۳۹۰) و مرزانی و معماری (۱۳۹۱) در پژوهش‌هایی جداگانه به بررسی تطبیقی شیطان در قرآن و عهدین پرداخته‌اند، شفیعی و همکاران (۱۳۹۱) و محمدنام و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش‌هایی مستقل ضمن معناشناسی ماده «عدو» در قرآن با رویکرد ساختاری و با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی پیرامون ماده «عدو» در قرآن، به شیطان/ابلیس به‌عنوان یکی از مصادیق عدو در قرآن اشاره کرده‌اند، اسماعیل زاده (۱۳۹۱) انتساب مفهوم ضلالت به برخی پیامبران الهی را تحلیل کرده است، رهبر (۱۳۹۲) ماهیت اضلال از جانب خدا را مورد تحلیل قرار داده است، متین‌دوست و همکاران (۱۳۹۵) ش و ویژگی‌ها و عملکرد شیطان را با روش تفسیر موضوعی و با تکیه بر آرای امام خمینی (ره) تحلیل کرده‌اند، فتاحی زاده و همکاران (۱۳۹۵) مفهوم اضلال الهی را با رویکردی ساختاری در قرآن بررسی کرده‌اند، آبادی و همکاران در پژوهش‌هایی جداگانه با رویکرد معناشناسی شناختی مفهوم شیطان در قرآن را بر مبنای مقوله حرکت (۱۴۰۰)، طرح‌واره تعادل (۱۴۰۰) و طرح‌واره نیرو (۱۴۰۱) بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر از حیث تحلیل مفهوم اضلال در مواردی که کنشگر آن شیطان است، باهدف بررسی ابعاد مختلف این مفهوم در قرآن کریم، استخراج مفاهیم جانشین آن در نظام معنایی قرآن و دستیابی به حوزه معنایی مفهوم اضلال شیاطین با رویکرد معناشناسی ساختگرا بدیع و نوآور است.

۳. مبانی نظری

از منظر ساختگرایی، معنا را باید در قالب زبان در هیئت یک نظام توصیف کرد (گیررتس، ۱۲۷) و ارزش هر واحد در یک نظام زبانی بر اساس سایر نشانه‌ها تعیین می‌شود (همو، ۱۲۸). به عبارت دیگر معنای یک واژه در چارچوب بافتی که در آن به وقوع پیوسته است به طور کامل قابل توصیف است (صفوی، در آمدی بر معناشناسی، ۲۱۲)؛ بنابراین بررسی معنا بدون توجه به روابط بینامتنی کامل نیست. مقصود از روابط بینامتنی، روابطی است که از ارتباط بین یک واژه با سایر واژه‌ها در نظام زبان پدید می‌آید. این روابط شامل روابط هم‌نشینی، جانشینی و سیاق است

رابطه‌ی هم‌نشینی رابطه‌ای از نوع ترکیب میان الفاظی است که در زنجیره‌ی کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، در محور هم‌نشینی امکان وقوع واحدها در کنار هم برای ساخت واحدهای بزرگ‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد (بی‌یروش، ۳۰؛ گیررتس، ۱۳۹۵، ۱۴۱).

رابطه‌ی جانشینی رابطه‌ای است بین گروهی از اقلام یک طبقه مشابه که می‌توانند در یک بافت نحوی جایگزین هم شوند (باقری، ۲۳۴)؛ به عبارت دیگر، جانشینی معنایی، انتخاب یک نشانه به جای نشانه دیگر بر اساس تشابه است (صفوی، در آمدی بر معناشناسی، ۲۶۹). البته باید توجه داشت که روابط هم‌نشینی نیز باید در این قالب لحاظ شوند. هریس^۱ (۱۹۴۵) معتقد است واژه‌ای که بتواند در نقطه‌ای از بافت، جایگزین واژه دیگر شود، می‌تواند هم معنا با آن واژه تلقی شود (گیررتس، ۱۴۵).

ذکر این نکته حائز اهمیت است که قرابت معنایی میان واژه‌های هم‌وقوع در قالب روابط هم‌نشینی، امکان طرح می‌یابند؛ درست مثل روابط جانشینی که مبتنی بر شباهت‌های بافتی و هم‌نشینی‌های مشترک هستند (ر.ک: گیررتس، ۱۴۳).

بافت یا سیاق محیطی است که پیرامون یک واژه یا جمله قرار دارد و معنای آن را روشن می‌کند، چه لفظی باشد، همانند کلماتی که با لفظ مورد نظر سخنی یکپارچه را

تشکیل داده‌اند و چه حالیه باشد، مانند شرایط و حوادثی که کلام را در بر گرفته و در فهم کلام مؤثر است (صدر، ۹۰).

۴. «اضلال» در لغت

در منابع لغوی معانی مختلفی برای مفهوم «اضلال» بیان شده است:

۱. گم کردن (فراهِیدی، ۸/۷-۹؛ ازهری، ۳۱۸/۱۱؛ ابن فارس، ۳/۳۵۶) (ازهری، ۳۱۸/۱۱؛ ابن منظور، ۳۹۱/۱۱)

۲. منحرف کردن از هدف، مسیر و راه راست (مصطفوی، ۴۰/۷) (جوهری، ۵/۱۷۴۹؛ زبیدی، ۱۵/۴۲۵) ۱۹۲ (جوهری، ۵/۱۷۴۸؛ ابن منظور، ۳۹۰/۱۱؛ طریحی، ۵/۴۱۰)

۳. پنهان کردن و پوشاندن (ابن منظور، ۳۹۱/۱۱-۳۹۳)

۴. باطل کردن و نابود ساختن می‌باشد. (ابن منظور، ۳۹۳/۱۱)

مفهوم اضلال در قرآن کریم در تقابل معنایی با مفهوم هدایت و به معنای هدایت نکردن به کار رفته است؛ به گونه‌ای که نه تنها «اضلال» در ساختارهای فعلی و اسمی در تقابل معنایی با «هدایت» در ساختارهای فعلی و اسمی قرار گرفته است (فُضِّلَ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ) (ابراهیم/۴) و (وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ * وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ) (زمر/۳۶-۳۷)، بلکه عدم هدایت نیز جانشین اضلال شده است (وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (بقره/۲۵۸) و (وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ) (ابراهیم/۲۷)

۵. کنشگر اضلال در قرآن کریم

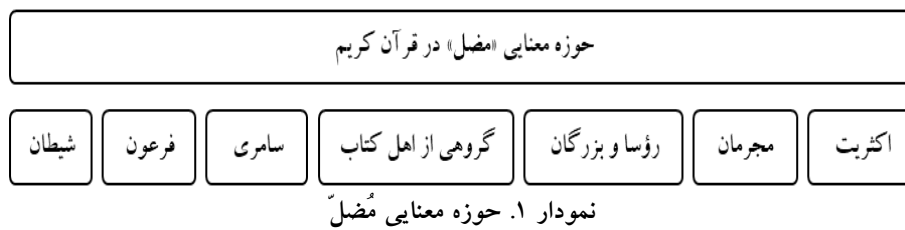
(برای اطلاعات بیشتر: ر.ک. فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۰۲).

مفهوم اضلال در ۳۰ آیه از قرآن کریم در ساختارهای مختلف اسمی و فعلی به شیطان (ر.ک: نساء/۶۰)، فرعون (طه/۷۹)، سامری (طه/۸۵)، گروهی از اهل کتاب (آل عمران/۶۹)، رؤسا و بزرگان (احزاب/۶۷)، مجرمان (شعراء/۹۹) و اکثریت (انعام/۱۱۶) نسبت داده شده است؛ به گونه‌ای که این گروه‌ها کنشگر اضلال معرفی شده‌اند.

از آنجا که قرآن کریم از کسانی که در مقابل جریان هدایت الهی که به وسیله پیامبران

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۳۹

به مردم ابلاغ می‌شود، قرار می‌گیرند، با تعبیر شیاطین جن و انس یاد کرده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾ (انعام/۱۱۲) و در جایی دیگر شیطان را به‌عنوان «عدو مُضِلّ» معرفی کرده است: ﴿هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ﴾ (قصص/۱۵)، می‌توان کنشگران اضلال را در زمره شیاطین، از حزب او و از مصادیق مفهوم «مُضِلّ» به معنای گمراه کننده به شمار آورد. به این ترتیب حوزه معنایی مفهوم «مُضِلّ» در قرآن کریم مطابق نمودار (۱) قابل ترسیم است.



۶. جایگاه شیاطین در نظام «هدایت-اضلال» در قرآن کریم

در ۲۸ مورد از موارد کاربرد مفهوم اضلال در قرآن، این مفهوم به خداوند اسناد داده شده است که از نوع کیفری به معنای منع فیض و قطع رحمت خاص خداوند و به‌عنوان مجازات برای کسانی است که با سوء اختیار خود به استقبال ضلالت رفته‌اند، می‌باشد (فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۰۲).

علاوه بر آن نوع دیگری از اضلال نیز به شیاطین نسبت داده شده است که پذیرش آن به‌عنوان اولین خطا محسوب می‌شود؛ مانند وسوسه ابلیس در ارتباط با آدم (ع) (ر.ک: طه/۱۲۰). این اضلال که از طریق دعوت، وسوسه، تمییه و ... محقق می‌شود، از آنجاکه نتیجه اختیار ضلالت نیست، اضلال ابتدایی نیز به‌شمار می‌آید؛ بنابراین می‌توان گفت، هر دو نوع اضلال ابتدایی و کیفری به شیاطین نسبت داده شده است.

۷. بررسی مفهوم اضلال شیاطین در محور هم‌نشینی

برای دستیابی به مؤلفه‌های معنایی مفهوم اضلال شیاطین در قرآن در گام اول و دستیابی به جانشین این مفهوم در حوزه معنایی قرآن کریم در گام دوم، لازم است، مفهوم اضلال

شیاطین در محور هم‌نشینی مورد بررسی قرار گیرد. بررسی باهم‌آیی‌ها در قرآن نشان می‌دهد که مفهوم «اضلال شیاطین» با بالاترین بسامد تکرار (۸ مورد) هم‌نشین مفهوم «سیل» شده است. به عنوان نمونه: ﴿وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انعام/۱۱۶).

سیل راه آسان، طبیعی و ممتدی است که از نقطه‌ای به نقطه دیگر امتداد پیدا می‌کند و به نقطه‌ی هدف (مادی باشد یا معنوی) متصل می‌شود. برخلاف طریق که به معنای زدن و کوفتن است و تنها با ساختن و کار و آماده کردن به دست می‌آید و در آن آسانی نیست (عسکری، ۱۹۵).

«سبیل الله» و «سبیل المؤمنین»، همان راه رشد و فطرت سلیم است که در تقابل معنایی با «سبیل الغی» و «سبیل الطاغوت» قرار دارد. مراد از «السبیل» بدون اینکه به چیزی اضافه شود، همان سیل حق و به عبارت دیگر «سبیل الله» و «سبیل الرشد» است (مصطفوی، ۵۳/۵). خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ (الانعام: ۱۵۳). تقابل معنایی سبیل (سبیل الله) با «السبیل» نشان می‌دهد که سیل حق تنها یکی است و سبیل غیر حق متعدد است؛ زیرا از هر نقطه‌ای از راه مستقیم ممکن است، انحراف و ضلالت حاصل شود. به همین دلیل «سبیل الله» اغلب به صورت مفرد به کار رفته است. بر خلاف راه‌های غیر حق که به صورت مضاف یا جمع آمده است (مصطفوی، ۵۳/۵).

در سه آیه سبیل حق به صورت جمع آمده است:

۱. ﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا﴾ (ابراهیم: ۱۲).

۲. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (العنکبوت: ۶۹).

۳. ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾ (المائدة: ۱۶).

در این صورت یا نگاه به افراد و هدایت گروهی از انسان‌ها است؛ و بنابراین سبیل به اعتبار افراد جمع بسته شده است (سیاق آیات اول و دوم که مربوط به انبیای الهی و مجاهدان راه حق است، مؤید این نظر است). یا منظور هدایت در شئون مختلف و همه‌ی جنبه‌های دنیوی و اخروی و ظاهری و باطنی است. (این نظر با آیه سوم که در مورد کتاب الهی

مفهوم «اضلال شیطاین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۴۱

است، سازگار است گرچه در دو آیه اول نیز بعید نیست (مصطفوی، ۵/۵۴)؛ و یا اینکه سُبُل راه‌های فرعی‌ای هستند که همگی به صراط (راه اصلی) منتهی می‌شوند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۹۶/۲۲).

واژه‌ی «سیل» در هم‌نشینی با مفهوم «اضلال شیطاین» به صورت‌های سیله (۲ مرتبه) (ابراهیم: ۳۰؛ الزمر: ۸)، سیل الله (۴ مرتبه) (الانعام: ۱۱۶؛ الحج: ۹؛ لقمان: ۶؛ ص: ۲۶)، السَّیْل (۱ مرتبه) (الاحزاب: ۶۷) و سیلک (۱ مرتبه) (یونس: ۸۸) به کار رفته است. مرجع ضمیر در «سیله»، الله و در «سیلک» ربّ می‌باشد؛ بنابراین و با توضیحی که در مورد «السَّیْل» داده شد، در تمامی این موارد «سیل» در معنای معنوی خود و با مقصدی حق و به سوی خداوند، به کار رفته است.

از هم‌نشینی مفهوم «اضلال شیطاین» با واژه سیل و بررسی موارد کاربرد این واژه در قرآن و با توجه به معنای این واژه می‌توان به یکی از مؤلفه‌های معنایی مفهوم اضلال شیطاین پی‌برد و آن اینکه ضلالت مفهومی وابسته به «سیل» و اضلال خارج کردن و منحرف کردن از راهی مشخص و آسان است و شیطاین به‌عنوان مصادیق «مُضِلّ» با روش‌های گوناگون سعی دارند، افراد را از راه هدایت که راهی منحصر به فرد، طبیعی، آسان و ممتد، معنوی و به‌سوی مقصدی حق است، منحرف کنند.

بررسی دیگر هم‌نشین‌های واژه «سیل» در هیئت ترکیبی مشترک ما را به مفهوم جانشین «اضلال شیطاین» در نظام معنایی قرآن می‌رساند.

۸. بررسی مفهوم «اضلال شیطاین» در محور جانشینی

برای دستیابی به جانشین مفهوم «اضلال شیطاین» در نظام معنایی قرآن کریم بررسی می‌شود، هم‌نشین اصلی این مفهوم یعنی «سیل» در هیئت ترکیبی مشترک غیر از مفهوم اضلال هم‌نشین کدام واژه شده است و به‌این ترتیب جانشین مفهوم «اضلال شیطاین» در نظام معنایی قرآن به دست می‌آید.

بررسی دیگر هم‌نشین‌های واژه سیل، بیانگر نتایج زیر است:

-واژه «سیل» ۲۵ مرتبه هم‌نشین واژه «صدّ» شده است و در تمامی این موارد با حرف جر

«عن»، متعلق به «صدّ» می‌باشد (البقره: ۲۱۷؛ آل عمران: ۹۹؛ النساء: ۱۶۰/۱۶۷؛ الاعراف: ۸۶/۴۵؛ الانفال: ۴۷/۳۶؛ التوبة: ۳۴/۹؛ هود: ۱۹؛ الرعد: ۳۳؛ ابراهیم: ۳؛ النحل: ۹۴/۸۸؛ الحج: ۲۵؛ النمل: ۲۴؛ العنکبوت: ۳۸؛ غافر: ۳۷؛ الزخرف: ۳۷؛ محمد: ۳۴/۳۲/۱؛ المجادلة: ۱۶؛ المنافقون: ۲). به عنوان نمونه: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ (اعراف/۴۵)؛ بنابراین می‌توان «صدّ» را به عنوان جانشین مفهوم اضلال شیاطین دانست. در ادامه این جانشینی با توجه به کاربرد این دو مفهوم در سیاق مشترک بیشتر تبیین می‌گردد.

-واژه سبیل هم‌چنین ۱۹ مرتبه هم‌نشین «قتل» و «قتال» شده است و از این تعداد، ۱۷ مرتبه به صورت «سَبِيلِ اللَّهِ» (البقره: ۱۵۴/۱۹۰/۲۴۴/۲۴۶ (دو مرتبه)؛ آل عمران: ۱۳/۱۵۷/۱۶۷/۱۶۹؛ النساء: ۷۴ (دو مرتبه)؛ ۸۴/۷۶/۷۵؛ التوبة: ۱۱۱؛ محمد: ۴؛ المزمّل: ۲۰)، ۱ مرتبه «سَبِيلِهِ» (ضمیر ه به الله برمی‌گردد) (الصف: ۴) و ۱ مرتبه «سَبِيلِ الطَّاعُونَ» (النساء: ۷۶) است که در تقابل معنایی با «سَبِيلِ اللَّهِ» قرار دارد.

-این واژه، ۱۴ مرتبه هم‌نشین «جهاد» شده است و از این تعداد، ۱۱ مرتبه به صورت «سَبِيلِ اللَّهِ» (البقره: ۲۱۸؛ النساء: ۹۵؛ المائدة: ۵۴؛ الانفال: ۷۴/۷۲؛ التوبة: ۸۱/۴۱/۲۰/۱۹؛ الحجرات: ۱۵؛ الصف: ۱۱)، ۲ مرتبه «سَبِيلِهِ» (ضمیر ه به الله برمی‌گردد) (المائدة: ۳۵؛ التوبة: ۲۴) و ۱ مرتبه «سَبِيلِي» (الممتحنة: ۱)، به کار رفته است.

از آنجا که «جهاد» و «قتال» مؤلفه‌های معنایی مشترکی دارند، می‌توان نتیجه گرفت که «جهاد فی سبیل الله» و «قتال فی سبیل الله» در تقابل معنایی با «صدّ عن السبیل» قرار دارد. خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: ۱) در مقابل ﴿الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: ۴).

۹. «صدّ» جانشین مفهوم اضلال در ارتباط با شیاطین

صدّه عن کذا، یصدّه صدّاً و صدوداً یعنی او را از چیزی منحرف کرد و صدّ یصدّ صدّاً، شدت خنده و داد و فریاد است (فراهیدی، ۸۰/۷). مصطفوی معتقد است، اصل مشترک در این ماده رویگردانی شدید می‌باشد و به همین دلیل به مفاهیمی چون عدول، میل، اعراض،

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۴۳

منع و ... که هریک به اعتباری به اصل مذکور برمی گردند، اطلاق می شود و مفاهیمی چون سروصدا و جیغ و داد و خنده ی شدید، معانی مجازی آن هستند. در تمامی این موارد خروج از جریان طبیعی و انحراف از جهتی به جهت دیگر دیده می شود (مصطفوی، ۲۴۶/۶).

بررسی ماده «صد» در عربی و دیگر زبان های سامی نشان می دهد که علاوه بر مؤلفه منحرف کردن، مؤلفه ایجاد مانع و در برابر چیزی قرار گرفتن نیز در این مفهوم وجود دارد (ر.ک: راغب، ۴۷۷؛ مشکور، ۴۷۸/۱، p.841، Gesenius, 1939, Zammit, Jastrow, vol.2, pa 1260; 251) از این رو به نظر می رسد «صد» به معنای ایجاد مانع در مسیر است به گونه ای که متحرک را وادار به انحراف از آن کند.

فعل «صد» به صورت لازم و متعدی به کار می رود؛ بنابراین در ساختار لازم به معنای رویگردانی، منحرف شدن و امتناع و در ساختار متعدی به معنای بازگرداندن و منحرف کردن می باشد (راغب، ۴۷۷). همان طور که گفته شد و با توجه به روابط هم نشینی بین مفهوم «اضلال شیاطین» و واژه «سیل» و هم چنین بین ماده «صد» و واژه سیل، ماده ی «صد» جانشین مفهوم اضلال می باشد.

در این بخش با بررسی تطبیقی آیات مربوط به «صد» و «اضلال»، این جانشینی با استفاده از بافت و هیئت ترکیبی آیات، اثبات می شود و سپس مفاهیمی که در هم نشینی هر دو مفهوم بالاترین بسامد تکرار را داشته اند، مورد بررسی قرار می گیرند.

۱۰. بررسی جانشینی «صد» و «اضلال» با توجه به بافت زبانی

برای اثبات جانشینی این ماده با توجه به بافت زبانی، از چند مجموعه از آیاتی که سیاق مشابهی دارند و ارتباط بین این مفاهیم را روشن می کند، استفاده می شود.

الف: در ارتباط با گروهی از اهل کتاب آمده است:

۱. (وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ كَوِيضِلُونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ) (آل عمران: ۶۹).

۲. (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ) (آل عمران: ۹۹).

در آیه اول از تلاش گروهی از اهل کتاب در بازگرداندن اهل ایمان به وضعیت کفر، به

«اضلال» و در آیه دوم به «صد عن سبیل» تعبیر شده است. به این ترتیب در این دو آیه با هیئت ترکیبی و سیاق مشترک مفهوم «صد» جانشین مفهوم «اضلال» شده است و کنشگر هر دوی این مفاهیم اهل کتاب هستند.

ب: در رابطه با شیطان آمده است:

۱. ﴿وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (النساء: ۶۰).
 ۲. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾ (المائدة: ۹۱).
 ۳. ﴿لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ (الفرقان: ۲۹).
- در آیه اول اراده شیطان «اضلال» و در آیه دوم ایجاد دشمنی و «صد عن ذکر» بیان شده است. به این ترتیب وجود هم‌نشین مشترک «یرید» در کنار کنشگر مشترک که شیطان می‌باشد، نشان می‌دهد که این دو مفهوم جانشین یکدیگر می‌باشند. علاوه بر آن تلاش شیطان در منحرف کردن از یاد خدا در آیه دوم با مفهوم «صد» و در آیه سوم با مفهوم «اضلال» بیان شده که شاهد دیگری از جانشینی این دو مفهوم در بافت و هیئت ترکیبی مشترک است.

ج: در ارتباط با تلاش پیامبران الهی در منصرف کردن مردم از پرستش خدایان دروغین آمده است:

۱. ﴿أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا * إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا﴾ (الفرقان: ۴۱ و ۴۲).
۲. ﴿قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ﴾ (ابراهیم: ۱۰).

در هر دو آیه کنشگر «اضلال» و «صد» پیامبران هستند که تلاش می‌کنند مردم را از پرستش خدایان دروغین باز دارند. در سیاق مشترک از عمل رسولان در آیه اول تعبیر به «اضلال» و در آیه دوم تعبیر به «صد» شده است.

ذکر این نکته لازم است که از آنجاکه بت پرستان برای بت‌های خود تقدس قائل بودند

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۴۵

و هدف آن‌ها از پرستش این بت‌ها هدایت بود و نه ضلالت، وقتی رسولان الهی آن‌ها را از این عمل نهی می‌کردند، فعل رسولان در نظر آن‌ها اضلال بود (رک: طباطبایی، ۴۱/۱۲؛ جوادی آملی، تسنیم، ۴۱۲/۱۶)؛ بنابراین بر مبنای این آیه نمی‌توان پیامبران الهی را در حوزه معنایی مفهوم «مُضِلّ» وارد کرد؛ زیرا این نوع «اضلال» و «صدّ» زعم بت پرستان می‌باشد که به رسولان الهی نسبت داده شده و در حقیقت هدایت است.

۱۱. حوزه معنایی مفهوم اضلال شیاطین

واحدهای تشکیل‌دهنده یک حوزه معنایی از نوعی رابطه جانشینی مبتنی بر شباهت برخوردارند (گیررتس، ۱۴۲). از آنجاکه در نظام معنایی قرآن کریم، مفهوم «اضلال» کنش شیاطین است، بررسی دیگر کنش‌های شیطان که هم‌نشین‌های این مفهوم در ترکیب اسنادی می‌باشند، ما را به دیگر مفاهیم جانشین «اضلال شیطان» در نظام معنایی قرآن می‌رساند و به این ترتیب می‌توان حوزه معنایی مفهوم اضلال شیاطین در قرآن را شناسایی کرد.

همان‌طور که بیان شد، دو مفهوم «اضلال شیاطین» و «صد» در محور جانشینی قرار دارند؛ بنابراین مفاهیمی که در نظام معنایی قرآن جانشین مفهوم «صد» شده باشند، جانشین «اضلال» نیز به شمار می‌آیند.

در ادامه مفاهیمی در این حوزه که بسامد تکرار بالاتری دارند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. (نمودار-۳) تمامی مفاهیم موجود در حوزه معنایی «اضلال شیاطین» را نشان می‌دهد.

۱۱. ۱. تزئین

یکی از مفاهیمی که در نظام معنایی قرآن جانشین اضلال شده، مفهوم تزئین است:

۱. «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ» (الزخرف: ۳۶ و ۳۷).

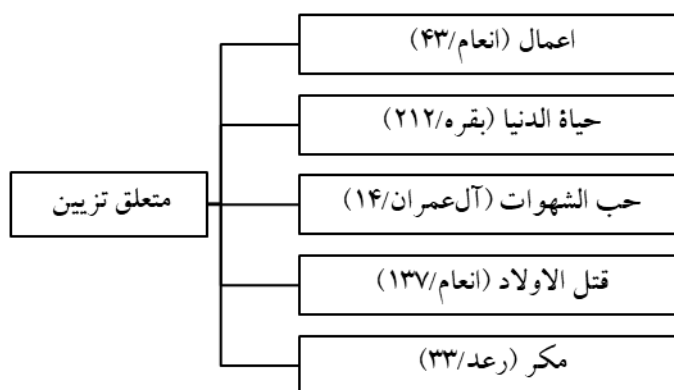
۲. «وَقِضْنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ قَرَيْنَوْا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» (فصلت: ۲۵).

از مقایسه‌ی دو آیه‌ی فوق درمی‌یابیم که مراد از «قُرْنَاءَ» در آیه‌ی دوم، شیاطین هستند. عمل شیاطین در آیه اول، صدّ و در آیه دوم، تزئین بیان شده است؛ بنابراین تزئین جانشین صدّ می‌باشد. رابطه جانشینی بین صدّ و اضلال نشان می‌دهد که تزئین از مفاهیم جانشین اضلال به‌شمار می‌آید.

«زینت» هر چیز زیبا و دوست‌داشتنی است که ضمیمه چیز دیگر می‌شود و به آن زیبایی می‌بخشد و آن را مرغوب و محبوب قرار می‌دهد و طالب زینت به طمع رسیدن به آن حرکت می‌کند (طباطبایی، ۴۳۴/۷).

«تزئین»، ۹ مرتبه به‌صورت مجهول (البقره: ۲۱۲؛ آل عمران: ۱۴؛ الانعام: ۱۲۲؛ التوبه: ۳۷؛ یونس: ۱۲؛ الرعد: ۳۳؛ فاطر: ۸؛ غافر: ۳۸؛ محمد: ۱۴) و ۲ مرتبه به‌صورت «زینّا» (الانعام: ۱۰۸؛ النمل: ۴) آمده است. ۷ مرتبه به شیطان (الانعام: ۴۳؛ الانفال: ۴۸؛ الحجر: ۳۹؛ النحل: ۶۳؛ النمل: ۲۴؛ العنکبوت: ۳۸؛ فصلت: ۲۵) و ۱ مرتبه به «الله» (الحجرات: ۷) اسناد داده شده است. ۷؛ بنابراین در اغلب مواردی که به فاعل «تزئین» تصریح شده، فاعل شیطان است. شیطان نیز مهم‌ترین کار خود را تزئین بیان کرده است (جوادی آملی، تسنیم، ۳۵۳/۱۰): «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (الحجر: ۳۹).

در تمامی مواردی که تزئین به‌صورت مجهول آمده است، با قرینه‌ای همراه شده که نشان می‌دهد، این تزئین، اغواء و اضلال و عمل شیطان است؛ به‌عنوان نمونه «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۱۲). نمودار ۲- نشان‌دهنده مواردی است که شیطان با تزئین آن سعی در اضلال انسان دارد.



نمودار ۲. متعلق تزئین

تزئین تنها در یک مورد به خداوند اسناد داده شده است: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (الحجرات: ۷) که در آن متعلق تزئین ایمان است؛ این نوع تزئین، جانشین هدایت و در تقابل معنایی با اضلال است.

۱۱. ۲. وعده و تمنیه

از دیگر کنش‌های شیطان که می‌توان از آن به ابزاری برای گمراه کردن بشر تعبیر کرد، وعده دادن و آرزوسازی (تمنیه) برای انسان است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (نساء/۱۲). «وعده» به معنای تعهد بر کاری خیر یا شر می‌باشد. هم‌چنین تمنیه به معنای ایجاد «تمنی» در دیگری و تمنی به معنای تمایل در به دست آوردن امر مطلوب است (مصطفوی، ۱۴۸/۴).

علاوه بر وجود هم‌نشین مشترک در مفاهیم وعده، تمنیه و اضلال که همان شیطان به‌عنوان کنشگر این اعمال می‌باشد، ارتباط معنایی بین این مفاهیم در سیاق مشترک نیز دیده می‌شود که نشان‌دهنده قرار داشتن این مفاهیم در محور جانشینی می‌باشد. در نهج‌البلاغه آمده است: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِثْنَانِ، اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَاتَّبَعُوا

الْهَوَىٰ فَيُضِدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ (نهج البلاغه: خطبه ۴۲). هم چنین خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (ص/۲۶)

شیطان انسان را به آرزوها دچار می کند که نتیجه ی آن بر اساس کلام امیرالمؤمنین (ع)، فراموشی آخرت است. در قرآن کریم و کلام حضرت امیر (ع) آمده است که تبعیت از هوا موجب ضلالت است. قرآن کریم سبب گرفتاری ضالین به عذاب شدید را فراموشی روز حساب بیان کرده است که بر اساس کلام امیرالمؤمنین (ع) به دنبال غرق شدن انسان در آرزوهای طولانی حاصل می شود و شیطان سعی در اضلال انسان از این طریق دارد.

۱۱. ۳. انساء

از دیگر کنش های شیطان که می توان آن را در حوزه معنایی مفهوم اضلال دانست، مفهوم «انساء» می باشد: ﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ﴾ (المجادله: ۱۹).

شیطان کسی را که بر او تسلط پیدا کند، به فراموشی یاد خدا می کشاند. نسیان، غفلت از چیزی است که در یادها وجود داشته است و «انساء» بردن چیزی از علم و خاطر کسی است. علامه این معنا را معنای اصلی نسیان می داند و معتقد است در استعمال این کلمه توسعه داده شده و در مطلق رویگردانی از چیزی که قبلاً مورد توجه بوده نیز استفاده شده است. (طباطبایی، ۳۷۷/۱۹). «انساء» به خداوند نیز نسبت داده شده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (الحشر: ۱۹). انساء الهی نیز هم چون اضلال الهی تنها کیفری است و همچون اضلال الهی شامل حال فاسقان می شود (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ۶۹).

۱۱. ۴. دعوت

در قرآن کریم از زبان شیطان آمده است: ﴿وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَنِ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي﴾ (ابراهیم: ۲۲).

قرآن کریم یکی از ابزارهای شیطان در مسیر اضلال را دعوت دانسته است. اصل

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۴۹

مشترک در این ماده این است که کسی به واسطه‌ی صدا و یا کلامی که از او صادر می‌شود، چیزی را به سمت خود متمایل کند (ابن-فارس، ۲/۲۷۹). دعوت مردم توسط شیطان به سوی شرک و معصیت، به اذن الهی است ولی این دعوت بدون تصرف است؛ زیرا حقیقت دعوت، تسلط دعوت‌کننده بر کاری که دیگری را به آن دعوت کرده، نیست (طباطبایی، ۶۵/۱۲).

۱۱. ۵. وسوسه و ازلال

در قرآن کریم آمده است: ﴿فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ﴾ (الاعراف: ۲۰) و ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا﴾ (البقرة: ۳۶). در این دو آیه وسوسه و ازلال در هیئت ترکیبی مشترک جانشین یکدیگر شده‌اند و از آنجا که هر دو مفهوم کنش شیطان هستند، در حوزه معنایی مفهوم «اضلال شیاطین» قرار می‌گیرند.

اصل مشترک در وسوس جریان صدایی مخفی است که در درون انسان با انسان سخن می‌گوید و می‌تواند از شیطان جن، انس یا آنچه به ذهن انسان خطور می‌کند، باشد (مصطفوی، ۱۲۶/۱۳). «زَلَّ» به معنای لغزش و «ازلال» به معنای لغزاندن و به لغزش واداشتن است (مصطفوی، ۳۵۸/۴).

شیطان با تصرف در قوای ادراکی انسان که در اینجا از آن تعبیر به وسوسه شده است، تلاش می‌کند انسان را به لغزش بکشانند و از مسیر صحیح خارج کند.

۱۱. ۶. نزع

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾ (الانسان: ۵۳) و ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾ (الانسان: ۵۳). «نزع» به معنای القای شر و افساد قلب به وسیله‌ی وسوسه یا کلام یا عملی است که از انسان یا جن سر می‌زند و از آثار آن، اغراء، طعن، افساد و رمی است. نزع شیطان، القای نیت سوء در بین افراد است، به گونه‌ای که موجب دشمنی و کینه بین آنها شود (مصطفوی، ۹۰/۱۲). به این ترتیب شیطان در تلاش است با اختلاف افکنی بین افراد، جامعه را از مسیر صحیح خارج کند.

۱۱. ۷. شریک قراردادادن برای خدا

خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَّصِيرُكُمْ إِلَيَّ النَّارِ﴾ (ابراهیم: ۳۰). در دو آیه از قرآن کریم، از شریک قراردادادن برای خدا، به‌عنوان یکی از راه‌های اضلال یاد شده است (ابراهیم: ۳۰؛ الزمر: ۸). در این آیات صحبت از سران کفر و شرک است که با علم به بطلان این عقیده و از روی عمد، به پرستش خدایان جن و انس و ملک روی آوردند تا با نشر شرک، مردم را از راه حق منحرف کنند و به منافع مادی خود برسند. استفاده از تعبیر «تَمَتَّع» در هر دو آیه که به بهره‌های مادی اشاره دارد، مؤید این دیدگاه است (ر.ک: طباطبایی، ۸۱/۱۲؛ همو، ۳۶۹/۱۷)؛ بنابراین شریک قرار دادن برای خدا از دیگر ابزارهای شیطان برای اضلال انسان است و در حوزه معنایی مفهوم «اضلال شیاطین» قرار می‌گیرد.

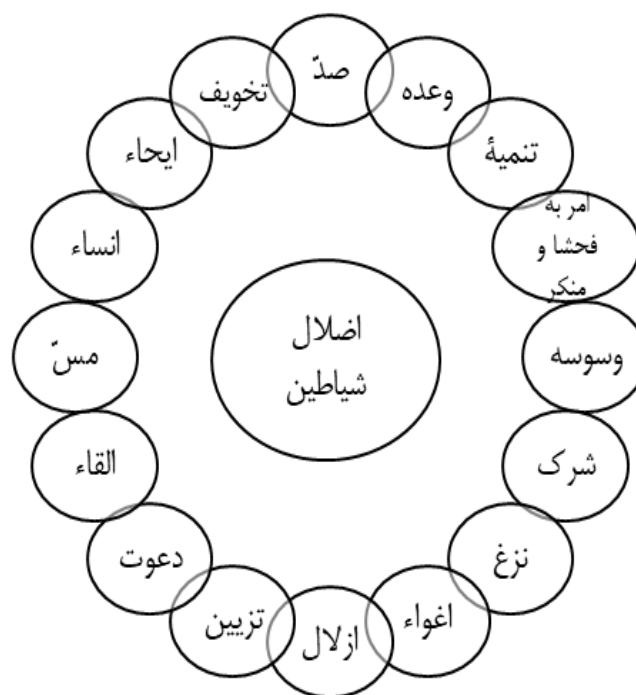
۱۱. ۸. امر به فحشا و منکر

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (النور: ۲۱). اصل مشترک در ماده «امر»، طلب و تکلیف به همراه برتری‌جویی است (مصطفوی، ۱۵۹/۱) و در برابر سؤال و دعا، دستور مافوق به زیردست است برای انجام فرمان او (جوادی‌آملی، تسنیم، ۵۱۹/۸).

شیطان در گام‌های نخست اضلال انسان با تزئین اعمال، وعده‌های دروغین، دعوت به‌سوی باطل، به فراموشی و غفلت کشاندن انسان، وسوسه و ... انسان را به انحراف از مسیر صحیح تشویق می‌کند. لکن کسی که با تبعیت از گام‌های او، ولایت او را پذیرفت، تحت تسلط او قرار می‌گیرد و شیطان نسبت به او «آمر» می‌شود (جوادی‌آملی، تسنیم، ۵۱۹/۸-۵۲۱). خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا سُلْطَنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ﴾ (النحل: ۱۰۰) و این افراد را به سوء، فحشاء، منکر، سخن بدون علم و دلیل گفتن و دگرگون کردن خلقت خداوند امر می‌کند. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (البقرة: ۱۶۹) هم‌چنین از زبان شیطان آمده است: ﴿وَلَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾ (النساء: ۱۱۹). در مورد امر شیطان از دو تعبیر «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ» و «إِنَّهُ يَأْمُرُ» استفاده شده است. «إِنَّمَا»

مفهوم «اضلال شیطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۵۱

مفید حصر است و به این معناست که شیطان تنها به سوء و منکر امر می‌کند و نه خیر (سامرائی، ۳۰۰/۱). هم‌چنین «إِنَّ» مؤکد نسبتی است که بین اسم و خبر آن وجود دارد و شک احتمالی را برطرف و بیان می‌کند که شیطان به فحشا و منکر امر می‌کند و به هیچ چیز جز آن نیز امر نمی‌کند (ر.ک: سامرائی/ ج ۱، ۲۶۳).



نمودار ۳. حوزه معنایی اضلال شیطین

۱۲. تفاوت اضلال با هریک از مفاهیم جانشین

در باور ساختگرایان هیچ تمایز صوری‌ای نمی‌تواند عاری از تفاوت معنایی باشد (گیررتس، ۱۴۴)؛ بنابراین پس از تشکیل حوزه معنایی باید مختصه‌های معنایی واژگانی که باهم در یک حوزه قرار گرفته‌اند، بررسی و مشخص شود چه تفاوتی بین مفهوم «اضلال شیطین» و مفاهیم جانشین آن در نظام معنایی قرآن وجود دارد.

در ارتباط با مفهوم «صد» به‌عنوان نزدیک‌ترین مفهوم به «اضلال» ذکر این نکته لازم

است که با توجه به معنای اضلال در لغت و باهم آیی این مفهوم با واژه سبیل با بسامد بالا که در قبلاً به آن اشاره شد، اضلال به معنای منحرف کردن از مسیر است. همین مفهوم در «صد» نیز وجود دارد، با این تفاوت که علاوه بر مؤلفه منحرف کردن، در مفهوم «صد» مؤلفه «ایجاد مانع» نیز وجود دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد، «صد» به معنای ایجاد مانع در مسیر است به گونه‌ای که متحرک را وادار به انحراف از آن می‌کند، ولی مؤلفه «وجود مانع» در مفهوم اضلال وجود ندارد. از این رو اضلال مفهومی عام‌تر از صد می‌باشد. علاوه بر آن اضلال به خداوند نیز نسب داده شده است که قبلاً به آن اشاره شد. ولی در هیچ‌یک از موارد کاربرد، کنشگر «صد» خدا نیست. از این رو مفهوم صد تنها در حوزه اضلال شیاطین - و نه اضلال الهی - جانشین مفهوم «اضلال» می‌باشد.

اضلال شیطان نسبت به دیگر مفاهیم این حوزه همچون تزئین، اغواء، وسوسه، وعده، انشاء، امر به فحشا و منکر و ... مفهومی کلی‌تر (واژه شامل) می‌باشد که دربردارنده‌ی این مفاهیم (واژگان زیرشمول) است. اصطلاح شمول معنایی به رابطه مفهومی میان یک واژه کلی و واژه‌ای گفته می‌شود که نوعی از آن واژه کلی به شمار می‌آید؛ مانند رابطه بین پرنده و گنجشک. در اصطلاح آن واژه کلی‌تر را واژه شامل و هریک از واحدهای مشمول این واژه را واژه زیرشمول در نظر می‌گیرند (گیررتس، ۱۸۷). واژگانی که با یکدیگر در رابطه شمول معنایی هستند، می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند، گرچه همان‌طور که اشاره شد، در جنبه‌هایی از معنا با یکدیگر متفاوت هستند (صفوی، آشنایی با معناشناسی، ۵۹-۶۱؛ گیررتس، ۱۹۰). از این رو می‌توان گفت دیگر مفاهیم موجود در حوزه معنایی اضلال شیاطین، نسبت به این مفهوم واژگان زیر شمول و به عبارت دیگر ابزارها و راهکارهایی هستند که شیاطین در جهت اضلال انسان به کار می‌بندند.

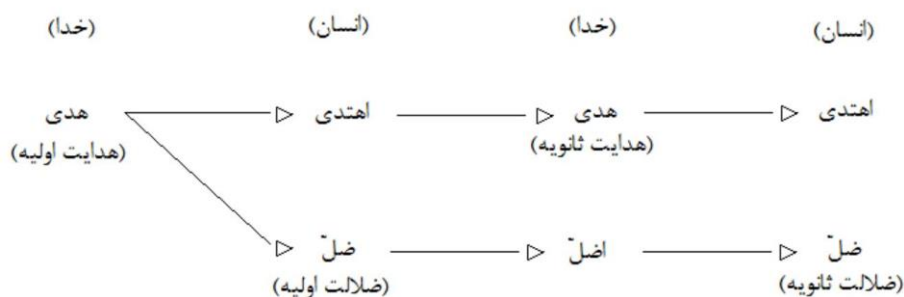
۱۳. ارتباط اضلال الهی و اضلال شیطان

همان‌طور که گفته شد، در ۲۸ آیه از قرآن مفهوم اضلال به خداوند اسناد داده شده است؛ به گونه‌ای که با «الله»، ضمیری که به خدا برمی‌گردد و یا ضمیر خطاب هم‌نشین شده و به عبارت دیگر کنشگر آن خداوند است. در قرآن کریم آمده است: ﴿مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۵۳

وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (انعام/۳۹). در این آیه و آیات مشابه هدایت و اضلال به مشیت الهی که بر اساس سنن الهی در عالم جاری است، وابسته شده است. سنت الهی به این گونه است که خداوند اضلال خود را مختص گروه‌های خاصی قرار داده برای نمونه: ﴿وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ﴾ (ابراهیم/۲۷) - و از مؤمنان نفی نموده است ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ﴾ (توبه/۱۱۵).

اضلال شامل دو نوع ابتدایی و کیفری است و اضلال ابتدایی در دو بعد تکوینی و تشریعی قابل بررسی است. هر دو نوع اضلال ابتدایی به معنای فراهم نکردن اسباب هدایت در بعد تکوین ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه/۵۰) یا تشریع قانون باطل ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ﴾ (اعراف/۲۸) از صفات سلبی خداوند و به دور از ساحت خداوند است. اضلالی که به خدا نسبت داده شده از نوع اضلال کیفری و همان منع فیض و قطع رحمت خاص خداوند است که به عنوان مجازات بر کسانی که با سوء اختیار خود به استقبال ضلالت می‌روند، واقع می‌شود (ر.ک: جوادی آملی، تسنیم، ۵۱۸/۲-۵۱۹).



نمودار ۴- نظام هدایت و اضلال

نمودار ۴، نظام هدایت و ضلالت در قرآن کریم را به طور مختصر نشان می‌دهد، هدایت اولیه که همان هدایت عام الهی است شامل حال همه افراد خواهد شد، انسان می‌تواند با اختیار خود آن هدایت را بپذیرد یا ضلالت را انتخاب کند ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ (کهف/۲۹)، خداوند متعال هر دو گروه را در مسیر انتخابی تقویت می‌نماید؛ کسی که هدایت را انتخاب کرده مشمول هدایت ثانویه الهی: ﴿وَالَّذِينَ

اِهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ (محمد/۱۷) و کسی که ضلالت را انتخاب کرده به مجازات این انتخاب مشمول اضلال ثانویه الهی خواهد شد: ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (صف/۵) و به این ترتیب ضلالت و هدایت حقیقی برای انسان محقق می‌گردد ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (اعراف/۱۷۸).

جایگاه شیاطین در این نظام هدایت-اضلال مورد توجه پژوهش حاضر است. توجه به مفاهیمی که جانشین مفهوم اضلال شیطان شده‌اند، نشان می‌دهد که شیطان در هر دو بعد اضلال ابتدایی و ثانویه نقش آفرینی دارد؛ به گونه‌ای که برخی از مفاهیم مختص مرحله اضلال اولیه است، برخی در هر دو مرحله دیده می‌شود و دسته‌ای تنها بر اضلال ثانویه دلالت دارد.

مفهوم «صد» که همان‌طور که به تفصیل درباره آن سخن رفت، جانشین اضلال شیطان و به معنای ایجاد مانع در مسیر باهدف منحرف کردن به کاررفته و در نظام معنایی قرآن هم‌نشین مفاهیمی همچون سبیل الله (انفال/۳۶)، مسجدالحرام (انفال/۳۴)، ذکر الله (مائده/۹۱)، صلاه (مائده/۹۱)، آیات الله (قصص/۸۷) و هدی (سبا/۳۲) نشان می‌دهد، این مفهوم ناظر به اضلال ابتدایی است؛ به گونه‌ای که به تلاش شیاطین در ایجاد مانع در برابر مؤمنان و در مسیر الهی اشاره دارد و نه اضلال ثانویه که شامل کافران ظالمان و ... می‌گردد. شاهد دیگری بر این مدعا این است که همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در نظام معنایی قرآن کریم کنشگر این مفهوم -همچون اضلال ابتدایی- هرگز خداوند نیست. بررسی کاربردهای قرآنی مفهوم «وسوسه» نیز نشان می‌دهد، این مفهوم بر اضلال ابتدایی دلالت دارد، برای نمونه در داستان رویارویی شیطان با آدم (ع) و وسوسه شیطان و وعده وضعیتی برتر از آنچه خدا برای ایشان در بهشت قرار داده بود، توسط شیطان مطرح شد و این وسوسه و وعده به دنبال نافرمانی از جانب آدم (ع) و به کیفر آن (اضلال ثانویه) نبود: ﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى﴾ (طه/۱۲۰).

مفهوم ترین بر هر دو جنبه اضلال ابتدایی و ثانویه دلالت دارد؛ به‌طوری که هم بر

پذیرش/عدم پذیرش هدایت اولیه توسط انسان اثر می‌گذارد و هم به کسانی که مسیر کفر را انتخاب کردند، در پیمودن این مسیر با سرعت بیشتر انگیزه می‌بخشد (اضلال ثانویه)؛ بنابراین از هر دو جنبه ابتدایی و ثانویه قابل بررسی است؛ برای مثال شیطان قسم می‌خورد که با تزئین بدی‌ها همه مردم به جز مخلصان که بر آن‌ها سلطه‌ای ندارد را به سمت گمراهی کشاند: ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (حجر/۳۹)، این تعبیر از آنجاکه شامل همه و نه فقط کافران، ظالمان و ... است، از مصادیق اضلال اولیه به شمار می‌آید. از جهتی دیگر آمده است: ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/۴۳) که اشاره به تزئین اعمال کافران دارد؛ این تزئین که موجب می‌شود تا کافر عمل زشت خود را زیبا پنداشته و در آن مسیر به حرکت ادامه دهد، از مصادیق اضلال ثانویه است.

از مفاهیمی که تنها ناظر به اضلال ثانویه است، می‌توان به امر به فحشا و منکر و تخویف اشاره کرد. همان‌طور که در بخش مربوط به تفصیل بیان شد، امر شیطان به فحشا و منکر که از مصادیق سلطه شیطان است فقط در مورد پیروانش محقق خواهد شد؛ از این‌رو از مصادیق اضلال ابتدایی به شمار نمی‌آید. مفهوم تخویف نیز به همین ترتیب است و تنها شامل کسانی می‌شود که ولایت شیطان را پذیرفته‌اند: ﴿إِنَّمَا ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَائَهُ﴾ (آل عمران/۱۷۵).

در مجموع می‌توان گفت در بعد اضلال ثانویه، شیطان مجری اضلال ثانویه الهی است؛ انسان با عدم پذیرش هدایت الهی از ولایت خداوند خارج می‌شود و تحت ولایت شیطان قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر بر مبنای سنتن الهی در وادی ضلالت رها می‌گردد ﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ﴾ (توبه/۶۷). در بعد اضلال ابتدایی نقش شیطان در طول آزمایش الهی است که مؤمنان را در برمی‌گیرد تا به واسطه وسوسه، وعده، تزئین و دیگر تلاش‌های شیطان، ثبات قدم آنان بر ایمان آزموده شود: ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (عنکبوت/۲) و در جایی دیگر خداوند متعال انسان را از اینکه در فتنه شیطان داخل شود، بر حذر می‌دارد: ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ﴾ (اعراف/۲۷).

نتیجه‌گیری

مفهوم «اضلال» در بیش از نیمی از موارد کاربرد به خدا اسناد داده شده است. اضلال الهی از نوع کیفری به معنای منع فیض و قطع رحمت خاص خدا مجازات کسانی است که هدایت الهی را نپذیرفته‌اند. در مقابل شیطان در نظام هدایت-اضلال گاهی مجری اضلال کیفری است و گاهی با وسوسه، دعوت، آرزوسازی و ... تلاش می‌کند انسان را از مسیر هدایت خارج کند. این اضلال لزوماً به دنبال سوء اختیار انسان و از نوع کیفری نمی‌باشد، بلکه می‌تواند از نوع اضلال ابتدایی به شمار آید.

کنشگر اضلال در قرآن کریم علاوه بر خداوند، شیطان، فرعون، سامری، گروهی از اهل کتاب، رؤوسا و بزرگان، مجرمان و اکثریت هستند که حوزه معنایی مفهوم «مُضِلّ» را در قرآن کریم تشکیل می‌دهند. در این حوزه معنایی مفهوم «شیطان» واژه شامل و دیگر مفاهیم، زیرشمول این واژه به حساب می‌آیند و در تعبیر قرآنی می‌توان از آن‌ها به حزب و جنود شیطان یاد کرد.

در محور هم‌نشینی، مفهوم «سبیل» بالاترین بسامد باهم‌آیی با اضلال شیاطین را دارد. از آنجاکه سبیل راهی ممتد، طبیعی و آسان و در اغلب موارد کاربرد در قرآن، مسیری معنوی و به‌سوی مقصد حق است، مشخص می‌شود که ضلالت مفهومی وابسته به «سبیل» و اضلال خارج کردن و منحرف کردن از راهی مشخص، آسان و به سمت مقصد حق می‌باشد.

بررسی دیگر هم‌نشین‌های «سبیل» در هیئت ترکیبی مشترک با اضلال و مطالعه سیاق مشابه نشان می‌دهد که مفهوم «صد» به معنای منحرف کردن از مسیر و ایجاد مانع در مسیر حرکت، در نظام معنایی قرآن جانشین «اضلال شیاطین» شده است.

از آنجاکه کنشگر اضلال، شیاطین هستند، حوزه معنایی مفهوم «اضلال شیاطین» از طریق بررسی دیگر کنش‌های شیاطین به دست می‌آید. این حوزه علاوه بر مفهوم «صد» شامل مفاهیم وعده، تنمیه، امر به فحشا و منکر، وسوسه، شریک قرار دادن برای خدا، نزع، اغواء، ازلال، تزیین، دعوت، القاء، مس، انساء، ایحاء و تخویف می‌باشد.

بررسی مفاهیم موجود در حوزه معنایی «اضلال شیاطین» باهدف تبیین تفاوت‌های

مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر...؛ فتاحی زاده و آبادی | ۲۵۷

موجود در مختصه‌های معنایی این مفاهیم با مفهوم مرکزی نشان می‌دهد که مفهوم «اضلال» نسبت به «صد» عمومیت بیشتری دارد؛ زیرا صد انحرافی است که از طریق ایجاد مانع در مسیر ایجاد می‌شود ولی این مؤلفه معنایی در اضلال وجود ندارد و هر نوعی از منحرف کردن از مسیر را در برمی‌گیرد. علاوه بر آن برخلاف مفهوم «اضلال»، مفهوم «صد» به خدا اسناد داده نشده است و «صد» تنها در حوزه «اضلال شیاطین» جانشین این مفهوم است. دیگر مفاهیم موجود در این حوزه نسبت به مفهوم مرکزی، واژگان زیر شمول و به عبارت دیگر نوعی از اضلال شیاطین به شمار می‌آیند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Fathiyeh Fattahizadeh
Fatemeh Abadi



<https://orcid.org/0000-0003-1633-0955>



<https://orcid.org/0000-0002-4796-868X>

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

انصاری، ابن هشام. (۱۳۶۸ ش). مغنی اللیب، مصحح: مازن المبارک، بی جا، تقی علامه.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۱ ش). خدا و انسان در قرآن، (ترجمه: احمد آرام)، تهران، شرکت سهامی انتشار.

باقری، مهری. (۱۳۷۸ ش). مقدمات زبان شناسی، تهران، نشر قطره.

بی‌پرویش، مانفرد. (۱۳۷۴ ش). زبان شناسی جدید، ترجمه: محمدرضا باطنی، تهران، آگاه.

پالمر، فرانک. (۱۳۶۶ ش). نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه: کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش). ادب فنای مقربان، محقق: محمد صفایی، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۸۹ ش). تفسیر انسان به انسان، محقق: محمدحسین الهی زاده، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۸۹ ش). تسنیم، محقق: حسین شفیعی و محمد فراهانی، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۸۹ ش). جامعه در قرآن، (محقق: مصطفی خلیلی)، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۸۵ ش). هدایت در قرآن، محقق: علی عباسیان، قم، مرکز نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ ق). الصحاح، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

حسن، عباس. (بی تا). النحو الوافی، بی جا، بی نا.

جعفری، یعقوب. (۱۳۷۳ ش). «آشنایی با چند اصطلاح قرآنی (۷- هدایت و ضلالت)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱، ص ۴۲-۴۹.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.

زبیدی، مرتضی. (۱۲۰۵ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیر، بیروت،

دارالفکر.

- سامرائی، فاضل صالح. (۱۴۲۸ ق). *معانی النحو*، القاهرة، شرکه العاتک لصناعه الكتب.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸ ش). مبانی معناشناسی نوین، تهران، سمت.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۶ ق). *دروس فی علم الاصول*، بیروت، دارالکتب اللبنانی.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۵ ش). *آشنایی با معناشناسی*، تهران، پژواک کیوان.
- (۱۳۸۷ ش). *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، سوره مهر.
- (۱۳۸۴ ش). *فرهنگ توصیفی معناشناسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ ش). *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ ش). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ ق). *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالافتاء الجدیدة.
- فتاحی زاده، فتحیه و آبادی، فاطمه و جلالی کندی، سهیلا. (۱۳۹۶). معناشناسی اضلال الهی در قرآن کریم، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن* شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۹۹-۲۱۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *العین*، قم، نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر*، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ ش). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گیررتس، دیرک. (۱۳۹۳ ش). *نظریه‌های معنی شناسی واژگانی*، مترجم: کورش صفوی، تهران، علمی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مطیع، مهدی. (۱۳۹۱ ش). *معناشناسی زیبایی در قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- مشکور، محمد جواد (بی تا). *فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.

References

- Gesenius, W. (1939). *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt*, Oxford university press, New York.

- Jastrow, M. (1903). *A Dictionary of the Targumin, The Talmud babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*, Luzac.
- Zammit, M. (2002). *A Comprative Lexical Study of Qur'anic Arabic*, Brill, Boston.

References [In Persian & Arabic]

- Qur'an al-Karīm.
- Nahj al-Balāgha*.
- Askarī, Hasan ibn 'Abdullāh. (1980). *Al-Furūq fī al-Lugha*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah. [In Arabic]
- Azharī, Muḥammad ibn Aḥmad. (2000). *Tahdhīb al-Lugha*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Ansārī, Ibn Hishām. (1989). *Mughnī al-Labīb*. Edited by Māzin al-Mubārak. [n.p.]: Taqī 'Allāmah. [In Arabic]
- Bāqerī, Mehri. (1999). *Muqaddamāt-i Zabān-shināsī*. Tehran: Nashr-i Qatreh. [In Persian]
- Bierwisch, Manfred. (1995). *Zabān-shināsī-yi Jadīd*. Translated by Muḥammad Riḍā Bāṭinī. Tehran: Āgāh. [In Persian]
- Fattāhī-Zādah, Fāthiyah, Ābādī, Fātimah, & Jalālī-Kandarī, Sohaylā. (2017). "Ma'nā-shināsī-ye Izlāl-e Ilāhī dar Qur'ān al-Karīm." *Pazhūhishnāmeḥ-ye Tafṣīr va Zabān-e Qur'ān*, no. 10, Spring–Summer, pp. 199–216. [In Persian]
- Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. (1988). *Al-'Ayn*. Qom: Nashr-i Hijrat. [In Arabic]
- Fayūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. (1993). *Al-Misbāh al-Munīr*. Qom: Mu'assasat Dār al-Hijrah. [In Persian]
- Geeraerts, Dirk. (2014). *Nazarīyah-hā-yi Ma'nī-shināsī-yi Wāzhagānī*. Translated by Kourosh Safavī. Tehran: 'Ilmī. [In Persian]
- Hasan, 'Abbās. (n.d.). *Al-Nahw al-Wāfī*. n.p. [In Arabic]
- Izutsu, Toshihiko. (1982). *God and Man in the Qur'an*. Translated by Aḥmad Ārām. Tehran: Intishār Company. [In Persian]
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. (1984). *Mu'jam Maqāyīs al-Lugha*. Edited by 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qom: Maktab al-'Ilām al-Islāmī. [In Persian]
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1993). *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Javādī Āmulī, 'Abdullāh. (2009). *Adab Fanā-yi Muqarrabān*. Edited by Muḥammad Ṣafā'ī. Qom: Markaz-e Nashr-i Isrā'. [In Persian]
- Javādī Āmulī, 'Abdullāh. (2010). *Tafṣīr-i Insān bi-Insān*. Edited by Muḥammad Ḥusayn Ilāhī Zādah. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā'. [In Persian]

- Persian]
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh. (2010). *Tasnīm*. Edited by Ḥusayn Shafī‘ī and Muḥammad Farāhānī. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā‘. [In Persian]
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh. (2010). *Jāmi‘ah dar Qur‘ān*. Edited by Mustafā Khalīlī. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā‘. [In Persian]
- Javādī Āmulī, ‘Abdullāh. (2006). *Hidāyat dar Qur‘ān*. Edited by ‘Alī ‘Abbāsīān. Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā‘. [In Persian]
- Jowharī, Ismā‘īl ibn Ḥammād. (1956). *Al-Sihāh*. Edited by Ahmad ‘Abd al-Ghafūr ‘Attār. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn. [In Arabic]
- Ja‘farī, Ya‘qūb. (1994). “Āshnā‘ī bā Chand Iṣṭilāḥ-i Qur‘ānī (7- Hidāyat va Ḍalālat).” *Dars-hā‘ī az Maktab-e Islām*, no. 1, pp. 42–49. [In Persian]
- Mustafavī, Hasan. (2009). *Al-Tahqīq fī Kalimāt al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. [In Arabic]
- Mutī‘, Mahdī. (2012). *Ma‘nā-shināsī-yi Zībā‘ī dar Qur‘ān al-Karīm*. Tehran: Imām Ṣādiq (a) University. [In Persian]
- Mashkūr, Muhammad Jawād. (n.d.). *Farhang-i Tatbīqī-yi Zabān-i ‘Arabī bā Zabān-hā-yi Sāmī va Īrānī*. [n.p.]: Bunyād-e Farhang-e Īrān. [In Persian]
- Palmer, Frank. (1987). *Semantics: A New Outline*. Translated by Kurosh Ṣafavī. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Qurashī, ‘Alī Akbar. (1992). *Qāmūs-i Qur‘ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Persian]
- Rāghib Isfahānī, Husayn ibn Muhammad. (1991). *Mufradāt Alfāz al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Sāmarā‘ī, Fāzel Sālih. (2007). *Ma‘ānī al-Naḥw*. Cairo: Sharikat al-‘Ātik li-Ṣinā‘at al-Kutub. [In Arabic]
- Shu‘ayrī, Hamīd Rezā. (2009). *Mabānī-yi Ma‘nā-shināsī-yi Nowīn*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Sadr, Sayyed Muhammad Bāqir. (1986). *Durūs fī ‘Ilm al-Uṣūl*. Beirut: Dār al-Kutub al-Lubnānī. [In Arabic]
- Safavī, Kurosh. (2006). *Āshnā‘ī bā Ma‘nā-shināsī*. Tehran: Pezhvāk Keyvān. [In Persian]
- (2008). *Dār-Āmadī bar Ma‘nā-shināsī*. Tehran: Sūreh Mehr. [In Persian]
- (2005). *Farhang-e Towsīfī-ye Ma‘nā-shināsī*. Tehran: Farhang-i Mu‘āsir. [In Persian]
- Tabātabā‘ī, Muhammad Husayn. (1995). *Tafsīr al-Mīzān*. Translated by Muḥammad Bāqir Mūsavī Hamadānī. Qom: Daftar-e Intishārāt-e Islāmī, Jāmi‘eh-ye Mudarrisīn-ī Ḥawzah-ye ‘Ilmiyyah-yi Qom. [In Arabic]
- Turayhī, Fakhr al-Dīn. (1996). *Majma‘ al-Baḥrayn wa Maṭla‘ al-Nīrayn*. Edited by Ahmad Husaynī Ashkūrī. Tehran: Murtazavī. [In Persian]

Zabīdī, Murtezā. (1790). *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Edited by ‘Alī Shīrī. Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic]

استناد به این مقاله: فتاحی زاده، فتحیه، آبادی، فاطمه. (۱۴۰۴). مفهوم «اضلال شیاطین» در نظام معنایی قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی: رویکرد معناشناسی ساختگرا، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۶ (۵۰)، ۲۳۱-۲۶۲
DOI: 10.22054/ajsm.2025.76998.1986



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.